

نقش وکلا در نقل و انتقال بین‌المللی در نظام منطقه‌ای

میلاد نظری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

چکیده:

مقاله حاضر درصدد است تا نقش وکلا در نقل و انتقال بین‌المللی در نظام منطقه‌ای را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ وکالت از جمله مهم‌ترین عقود است که در جامعه امروزی کاربرد دارد، در این بین وکالت دادگستری نوع خاصی از وکالت است که بنا به ماهیت ذاتی آن در کنار دستگاه قضایی جهت تحقق عدالت تلاش می‌نماید. مقاله توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پدیده جهانی شدن، ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی، گسترش جرایم بین‌المللی، توسعه صلاحیت کشورها به خارج از مرزها، لزوم همکاری‌های پلیسی و قضایی بین‌المللی، جهانی و بین‌المللی شدن وکالت در امور حقوقی را به یک ضرورت و نیاز تبدیل کرده است، لیکن برای تحقق این ضرورت، فقدان تشکیلات سازمانی برای این موضوع، سیاست‌های امنیت‌گرای محدود کننده وکلا در کشورها، تفاوت‌های ماهوی و شکلی نظام‌های حقوق و بین‌المللی به عنوان چالش‌های مهمی محسوب می‌گردند که تا زمان حال مانع تحقق این ضرورت شده‌اند. لیکن بایستی با استفاده از ظرفیت‌های وکلای علاقه‌مند و اتحادیه بین‌المللی وکلا در کنار ضمانت‌اجراهای بین‌المللی مرتبط با وکالت در امور حقوقی بهره‌برد و این ضرورت را جامه عمل پوشاند...

واژگان اصلی: نقش وکلا، نقل و انتقال بین‌المللی، نظام منطقه‌ای، جهانی شدن، سیاسی.

۱. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی دارند، باعث شده است تا شاهد حضور وکلا در مراجع سایر کشورها و همچنین مراجع بین‌المللی باشیم. «وکالت از مهم‌ترین نهادهایی است که در فرآیند تحقق عدالت می‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد. حضور وکیل در محاکمات قضایی به ویژه در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، که پرونده در حال شکل‌گیری است، سبب تسهیل کشف حقیقت و پیشگیری از اجحاف و نقض حقوق اشخاص تا حد قابل توجهی خواهد شد. ضرورت و اهمیت حق دفاع موجب شده است تا نظام‌های حقوقی و قضایی پیشرفته و همچنین مراجع بین‌المللی به دیده‌ی یک رکن مهم دادرسی منصفانه به آن بنگرند و حقوق بین‌الملل به طور عام و نظام بین‌المللی حقوق بشر به طور خاص شناسایی و تضمین آن را مورد توجه قرار دهند. دکترین و نظام حقوقی و قضایی اسلام که بر پایه‌ی عدالت بنیان نهاده شده است نیز، توجه و اهتمام فراوانی به این امر دارد. در منابع اسلامی، آیات و روایات فراوانی بر اهمیت و ضرورت حفظ این حق برای متهم دلالت دارند. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری به این موضوع پرداخته و سعی کرده‌اند تا بسترهای لازم را برای وکلا جهت ایفای بهتر رسالت خود، به خصوص در مراحل مقدماتی و بدوی رسیدگی فراهم آورند. از این رو، حضور وکیل مدافع، از حقوق مهم و اولیه‌ی متهمین است» (فضائلی و ملاکه، ۱۳۹۴: ۱۴۳). از طرف دیگر بزه‌دیدگان یک سری از جرایم نیز در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی نیاز به حمایت وکلا دارند. به جز ضرورت‌های ذاتی وکالت در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی که برای حمایت از متهم و یا شاکی در این گونه پرونده‌هاست، اعمال صلاحیت‌های فرامرزی، مسأله جهانی شدن حقوق بین‌الملل و عوامل دیگری به این ضرورت شدت بخشیده‌اند که در این فصل ضمن بررسی این ضرورت‌ها، جایگاه وکالت در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی را خواهیم شناخت.

ضرورت تحقیق

ضرورت‌ها جهانی شدن و بین‌المللی شدن وکالت در امور بین‌المللی، به طور جامع و کامل مورد بررسی قرار نگرفته است و از طرف دیگر در هیچ پژوهشی چالش‌های آن مورد بررسی قرار نگرفته است و ضروری است تا به آن پرداخته شود.

جنبه‌های جهانی و بین‌المللی حقوق به شدت در حال افزایش است. بسیاری از مسائل بین‌المللی حقوق امروزه صرفاً و فقط در محیط حقوق داخلی یک کشور مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. بسیاری از اشخاص در کشوری غیر از کشور متبوع خویش نیاز به حمایت‌های بین‌المللی حقوق از طریق وکلا دارند. مراجع بین‌المللی و از آن مهمتری مراجع غیر قضایی مرتبط با امور بین‌المللی از قبیل پلیس بین‌الملل، نهادهای انتقال محکومان این وضعیت را تشدید کرده است. افراد درگیر در این مراجع اعم از متهم، محکوم، شاکی و خانواده‌های آنها نیاز به بهره‌گرفتن از خدمات وکلایی را دارند که هم بتوانند به آسانی با آنها ارتباط برقرار کرده و هم این که وکیل نیز از توانایی و امکان لازم برخوردار باشد، ضرورت جهانی و بین‌المللی شدن وکالت به خوبی حس می‌شود و از طرف دیگر عملی شدن این ضرورت با چالش‌های روبروست که کمتر به آن پرداخته شده است. این نیاز امروزی جامعه حقوقی جهانی است تا این ضرورت و چالش‌های عملی شدن این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

مفهوم شناسی واژگان

مفهوم وکالت

در حالت طبیعی و معمول و در بیشتر موارد، اشخاص به طور مستقیم امور خود را انجام می‌دهند، لیکن در مواردی و به دلایلی، اشخاص به جای آنکه امور مرتبط با خود را شخصا و به طور مستقیم انجام دهند، از طریق شخص دیگری مبادرت به انجام آن می‌نمایند. اگر اعمالی که از طریق دیگران انجام می‌شود، از جمله اعمال مادی باشد، از طرق مختلفی و از جمله عقود جعاله، اجاره اشخاص و غیره محقق می‌گردد و اگر این اعمال از جمله «اعمال حقوقی» باشند، مجرا و شیوه اجرای آنها توسط شخص دیگری «وکالت» است که مفهوم لغوی و اصطلاحی آن را شرح می‌دهیم.

جایگاه وکالت در نظام حقوقی ایران

به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته

باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». حق دفاع را می‌توان از جمله حقوق فطری دانست و در اجرای کامل عدالت در هر دعوی در گرو امکان استفاده طرفین دعوا از امکانات دفاعی برابر است، وکالت ایزاری است برای تحقق این هدف و تأمین دادگستری عادلانه که آخرالامر به ارضای میل عدالت‌خواهی بشر منجر گردیده است.

در جایگاه شأن و منزلت وکیل همین بس که یک بازوی قوی و تخصصی در امر قضاوت برای تأمین عدالت جامعه به شمار می‌رود و این سخن گزافه نیست «فرشته عدالت با دو بال «وکالت» و «قضاوت» قادر به پرواز است» بهترین تعبیر را می‌توان از این ارتباط تنگاتنگ وکالت با تأمین عدالت در جامعه برشمرد. از این‌رو وکالت در دعوی را از زمان‌های بسیار دور در نهاد دادرسی محاکم دادگستری در جوامع بشری یاد کرد.

«وکیل دادگستری» از جهت رفع پاره‌ای از مشکلات دادگاه‌ها و جلوگیری از ازدحام مردم در محاکم دادگستری و نیز نقش اساسی و مؤثر در اخذ تصمیم سازی مناسب قضات رسیدگی‌کننده پرونده به دلیل بررسی دقیق از موضوع دعوا در قوانین مربوط، نقشی فعال در اجرای عدالت جامعه دارد. در این راستا نقش بنیادین حضور وکیل مدافع در دادگستری مورد توجه و اعتراف کلیه نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. به طوری که در قوانین بیشتر کشورها حضور وکیل مدافع در جلسات دادرسی ضروری دانسته شده است، از جمله می‌توان کشور فرانسه را نام برد که در ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «متهم یا شاکی خصوصی را جز در مواردی که به صراحت از آن صرف‌نظر نمایند، فقط در حضور وکلای آن‌ها یا پس از دعوت از وکلای طبق ضوابط قانونی می‌توان مورد تحقیق یا مواجهه قرار داد در تضمین اجرای این ماده و بندهای ۲ و ۳ آن، به مقام تحقیق تکلیف کرده است، وکلای طرفین را حداقل پنج روز کاری قبل از هر تحقیق یا استماع باید از طریق اخطاریه دعوت و پرونده مربوط حداقل در چهار روز کاری (اداری) قبل از اجرای تحقیق و استماع در اختیار وکیل مدافع متهم قرار دهد» (داریزین، ۱۳۹۶: ۱۶).

حق داشتن وکیل برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم تا صدور و اجرای حکم از مهم‌ترین تضمینات حقوق متهم یا بزه‌دیده است که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ شبه آن مهم توجه ویژه و وضع نموده است تا متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل حقوقی است از داشتن وکیل برخوردار باشد. هم‌چنین ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۱ مهر ۱۳۷۰ ش مجمع تشخیص مصلحت

نظام مقرر داشته است: «اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل را دارند و همه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند، مکلف به پذیرش وکیل هستند» و نیز بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ ش بیان می‌دارد: «محاکم و دادرها مکلف‌اند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کنند و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند».

علاوه بر قوانین از پیش گفته شده، قانون‌گذار در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در باب وکالت و وکیل دادگستری و هم‌چنین در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی توجهی ویژه به این مهم داشته است، این موضوع بیانگر اهمیت و ضرورت جایگاه وکیل در نظام حقوقی کشور ایران اسلامی به شمار می‌رود.

بنابراین با عنایت به ضرورت حضور وکیل دادگستری در نهاد دادرسی محاکم دادگستری در مقام دفاع و دادخواهی باید اذعان نمود که حضور وکیل موجب آرامش خاطر موکل و احقاق حق وی خواهد شد، از این‌رو استقلال نهاد قانون وکلای دادگستری حفظ و به دور از مداخله دستگاه‌های حکومتی و قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) امری ضروری است.

مفهوم جهانی شدن

«رویکردها و رهیافت‌های گوناگونی که کوشیده‌اند جهانی شدن را در قالب یک الگوی نظری عام و فراگیر، قابل فهم کنند؛ هنوز در ارائه یک تعریف و تبیین منطقی و واقع‌بینانه توفیقی نیافته‌اند. قدمت و پیشینه اندک جهانی شدن در محافل علمی و ارتباط آن با سطوح گوناگون تحلیل مانند سیاست، اقتصاد و فرهنگ در دشواری تعریف آن مؤثر بوده‌اند. وسعت تحولات مشتمل در این مفهوم و نیز نرسیدن به تکامل نهایی، از دیگر دلایل تعریف نیافتگی این پدیده است. در واقع آنچه امروزه جهانی شدن خوانده می‌شود، خود در وضعیتی دگرگون شونده، متغیر و بسیار متحول قرار دارد که ارائه تعریف جامع و مانع از آن را مشکل می‌سازد. وجود مفهوم گویای سرشت در حال تحول این پدیده و از نتایج امتناع یک قضاوت نهایی درباره آن است» (سینایی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۷). بر همین اساس در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان از موارد ذیل به عنوان موانع و مشکلات ارائه یک تعریف کارآمد از جهانی شدن نام برد:

جهانی شدن یک پدیده کثیرالوجه و چندوجهی است. یکی از ناکامی‌های محققان در ارائه

تعریفی جامع از جهانی شدن، در همین چندبعدی بودن آن است. این چندوجهی بودن را هم در علل یا دلایل جهانی شدن و هم در پیامدها و بازتاب‌های جهانی شدن می‌توان مشاهده کرد (نقیبی فرد، ۱۳۹۶: ۶۸).

برای جهانی شدن ابعاد گوناگونی از جمله اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیک، اجتماعی، پزشکی و بهداشتی، ارتباطاتی، امنیتی، زیست‌محیطی و غیره نام برده می‌شود (Yearley, 2017: 39).

این یک واقعیت است که هرگونه پدیده جدید اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیک، اجتماعی، ارتباطی و غیره واجد ابعاد حقوقی جدید می‌باشد. پدیده جهانی شدن نیز خارج از این مقوله نیست. لیکن در این رساله منظور ما از «جهانی شدن وکالت در امور کیفری» به طور دقیق معادل با مفهوم جهانی شدن بهنجوی که بیان شد، نمی‌باشد. یعنی ما حداقل در این برهه از زمان و دهه دوم قرن بیست و یکم در شرایطی قرار نداریم که از مفهومی تحت عنوان «شیوه و شکل یکسان برای وکالت در امور کیفری در عرصه جهانی» صحبت کنیم، زیرا هنوز علی‌رغم ایجاد پدیده جهانی شدن و غیر قابل انکار بودن آن، آنچه در عالم حقوق و به خصوص در حوزه حقوق کیفری واقعیت دارد این است که نظام‌های حقوق کیفری داخلی با قدرت تمام به کار خود ادامه می‌دهند و نمی‌توان از یک نظام حقوق کیفری جهانی صحبت کرد. اما برای آنچه که کمک به تحقق عدالت کیفری نامیده می‌شود، بایستی «امکان و شرایط وکالت در اموری کیفری توسط برخی از وکلای دادگستری در کشوری غیر از کشوری که پروانه وکالت وکیل متعلق به آن کشور است، فراهم شود» و این همان مفهوم جهانی شدن وکالت در امور کیفری است که مورد نظر این رساله نیز می‌باشد. جهانی شدن وکالت در امور کیفری در شرایط حاضر یک مفهوم مطلق نیست و اصلاً بدان معنی نیست که به عنوان یک حکم کلی، هر وکیل دادگستری صلاحیت وکالت در کشورهای دیگر را نیز دارد، شاید اگر روزی مفهوم واقعی دهکده جهانی محقق شود، این مفهوم نیز محقق شود. در حال حاضر و به عنوان یک امر نسبی جهانی شدن وکالت در امور کیفری بین معناست که بایستی در حد رفع نیاز و ضرورت امکان وکالت برخی از وکلای دادگستری در ابعاد جهانی و در کشورهای دیگر در راستای کمک به تأمین عدالت کیفری محقق شود. بسیاری از اشخاص در کشور دیگری غیر از کشور متبوعشان درگیر یک پرونده کیفری می‌شوند و لزوم حمایت حداکثری از این اشخاص اقتضا دارد تا جهانی شدن وکالت در امور کیفری را بپذیریم.

مفهوم بین‌المللی شدن وکالت

در ابتدای امر ممکن است که مفهوم بین‌المللی شدن وکالت در امور حقوقی با مفهوم جهانی شدن آن یکسان در نظر گرفته شود. لیکن بین‌المللی شدن وکالت مفهومی متفاوت از جهانی شدن وکالت است. بین‌المللی شدن وکالت ناشی از این موضوع است که امروزه مراجع بین‌المللی که تحت حاکمیت کشور خاصی نیستند به وجود آمده‌اند و دارای وصف بین‌المللی هستند. در نتیجه وکالت در این مراجع و نزد این مراجع خصلت بین‌المللی به خود می‌گیرد. بین‌المللی شدن وکالت به این معناست که وکلا در نظام‌های حقوق داخلی کشورها تربیت یافته و وکیل می‌شوند، لیکن تحت شرایطی اجازه دارند تا در مراجع با وصف بین‌المللی نیز وکالت کنند.

نقش وکلا در نقل و انتقال بین‌المللی در نظام منطقه‌ای

نقل و انتقال محکومان می‌تواند به جای یک فرایند دوجانبه در یک نظام منطقه‌ای صورت پذیرد. در این خصوص نیز وکلای محکومان می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند. به عنوان مثال تا به امروز تمامی زندانیان دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) به قلمرو دولت‌های اروپایی منتقل شده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICJ) تمامی زندانیان آفریقایی تبار را به مالی و بنین و تنها زندانی غیر آفریقایی تبارش که یک تبعه بلژیکی بود، به ایتالیا انتقال داده است. اگر چه رویه‌هایی که بر اساس آن دیوان‌های کیفری بین‌المللی، اقدام به انتخاب کشورهای اجرا کننده حکم می‌کنند، ممکن است منجر به انتقال اجباری زندانیان از کشور مقرر دیوان می‌گردد با این حال سیاست جابجایی منطقه‌ای در پی آن است که از انزوای احتمال اجتماعی فرهنگ زبانی زندانیان بین‌المللی جلوگیری کرده و برخورداری از حمایت و روابط خانوادگی برای آنان تسهیل گردد.

اهمیت این مسئله در جایی است که دولتی که برای اجرای حکم یک دیوان بین‌المللی انتخاب می‌شود، بایستی نسبت به تأمین و برآورده کردن استانداردهای بین‌المللی اقدام نمود. تا بدین وسیله رفتار برابر و به دور از تبعیض با تمامی زندانیان گردیده و به علاوه از تشدید و بدتر شدن حکم جلوگیری نماید. معیارهای انسان دوستانه اجرای احکام حبس بین‌المللی در منطقه اصلی زندانی بایستی با استانداردهای بین‌المللی اجرای احکام مطابقت و همخوانی داشته باشد، از این رو دیوان‌های بین‌المللی تعهدات کم سابقه‌ای را در این خصوص متقبل شده‌اند. تا با اعطای کمک مالی به دولت‌های مشارکت کننده، تسهیلات و امکانات زندان‌های آن‌ها را در راستای تأمین

استانداردهای مسئول روزآمد نمایند.

دادگاه ویژه، سیرالئون هم تمامی زندانیان خود را به رواندا منتقل کرده است. اخیراً دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR) از این هم فراتر رفته و متعهد شده است تا مستقیماً هزینه‌های مربوط به تغذیه، ارتباطات، اقلام فرعی و مراقبت‌های ویژه پزشکی زندانیان بین‌المللی را تأمین نماید. در عوض این کمک مالی دیوانه کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR) و ورود به سلول‌های ویژه ساخته شده در قسمت خاصی از زندان امپانگا جدید را به دیوان مذکور داده است. است تا به امروز دیوان کیفری بین‌المللی رواندا هیچ زندانی محکومی را به رواندا انتقال نداده است. با این وجود دیوان کیفری بین‌المللی رواندا در مارس ۲۰۰۹ واسطه انعقاد یک توافقنامه اجرا مابین دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL) و دولت رواندا گردید که به موجب آن، دادگاه ویژه سیرالئون اجازه دسترسی و ورود به سلول‌های زندان امپانگا را به دست آورد. در قبال تعهد دادگاه ویژه سیرالئون این (SCSL) جهت هزینه‌های نگهداری و تعمیر سالانه زندان و نیز هزینه‌های مربوط به تغذیه، اصول بهداشتی، ارتباطات و مراقبت‌های پزشکی زندانیان بین‌المللی دولت رواندا نیز متعهد شد تا هر هشت زندانی دادگاه ویژه سیرالئون در مرکز بازداشت دیوان مذکور واقع در شهر فری تاون و تحت بازداشت دولت رواندا قرار گیرند.

از آنجایی که دولت بریتانیا به سمت روبه انتقال متقابل که در آن رضایت زندانی الزامی نیست، حرکت می‌کند، لذا بالاجبار مسئولیت بیشتری را در قبال رفاه زندانی در مرحله پس از انتقال خواهد پذیرفت. در این حالت، دولت بریتانیا خواستار اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر مکان و محل اجرای حکم شده و همانند دیوان‌های بین‌المللی، هزینه‌های مالی مشابه را متحمل خواهد شد. به عنوان نمونه اخیراً دولت بریتانیا مبلغ اولیه ۴۰۰۰۰۰ دلار جهت بهبود و ارتقای زیرساخت‌ها، وسایل راحتی، خوار و بار و تغذیه و خدمات اداری و اصول بهداشتی زنان لوزیدا، به دولت اوگاندا کرده تا بدین وسیله شرایط انتقال حدود ۴۰ زندانی اوگاندایی را که در بریتانیا در حال تحمل حبس هستند، به کشورشان فراهم نماید (یوسفی مراغه ای و کونانی، ۱۳۹۴: ۳۵).

این کمک‌های مالی که برای اعمال اصلاحات کیفری و تخصیص داده می‌شود، معمولاً پس از انعقاد یک توافقنامه مبتنی بر «عدم رضایت» پرداخت می‌گردد. با این حال مواردی نیز وجود دارد دولت، به خاطر کشورها کمک مالی کرده است، چرا که با پرداخت این کمک‌های مالی، دولت بریتانیا امیدوار است تا در آینده با هم این کشورها یک توافقنامه مبتنی بر «عدم رضایت»

منعقد نماید. به عنوان مثال به علت وجود تعداد زیادی از اتباع نیجریه ای که در بریتانیا در حال تحمل حبس هستند، دولت بریتانیا مذاکره در خصوص انعقاد یک توافقنامه انتقال مبتنی بر «عدم رضایت» با نیجریه را در اولویت قرار داده است. همانند بسیاری از دولت‌ها، نیجریه نیز در زمینه با احتیاط عمل می‌کند، چرا که امضای یک توافقنامه مبتنی بر عدم رضایت منجر به اعمال فشار از جانب سایر دولت‌ها به نیجریه جهت انعقاد توافق‌نامه مشابه خواهد گردید. جهت فائق آمدن بر این مشکل سیاسی و اجتناب از چالش‌های حقوق بشری و نیز شاید پیشگیری وی از این نوع انتقال، دولت بریتانیا بیش از یک میلیون پوند در زمینه ساخت مراکز بازداشت آموزش مدیریت و از پرسنل زندان‌ها در خصوص استانداردهای کیفری بین‌المللی و اجرای برنامه‌های شغلی و آموزشی در نیجریه سرمایه‌گذاری کرده است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در نظام جدید بین دولتی مبتنی بر «عدم رضایت»، علاوه بر پیش شرط اساسی داشتن تابعیت کشور متقل الیه یاد داشتن علقه نزدیک با آن، معیار نظام عدالت بین‌المللی (ICJ) نیز مورد پذیرش قرار گرفته است: لذا بایستی بررسی شود که آیا نظام زندان‌های دولت اجرا کننده حکم با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارد یا خیر؟ و به غیر از آن آیا دولت اجرا کننده حکم می‌تواند احکام حبس بین‌المللی را به صورت موثر اجرا نماید یا خیر؟

در هر نظام بین دولتی و بین‌المللی (ICJ) هزینه اجرای احکام معمولاً بر عهده دولت اجرا کننده حکم می‌باشد. از آنجایی که نظام بین دولتی رویه انتقال بدون رضایت زندانی در نظام بین‌المللی (ICJ) را مورد پذیرش قرار داده و نظام بین‌المللی نیز تمرکز بر معیارهای حقوق بشری موجود در نظام بین دولتی را پذیرفته، لذا هر دو نظام، نهادهای صادر کننده حکم، هزینه‌های ناشناخته و پیش بینی نشده را هم عهده‌دار شده‌اند، در هر دو نظام مذکور، نهادهای صادر کننده حکم تعهدات و مبتنی را در خصوص تأمین منابع مالی مورد نیاز مراکز بازداشت و نگهداری زندانیان و رعایت استانداردهای کیفری بین‌المللی را بر عهده گرفته است. همچنین نهادهای صادرکننده حکم مسئولیت‌های متعددی راجع به رفاه زندانیان در مرحله پس از انتقال، پذیرفته‌اند، این امر از یک طرف مربوط به تعهدات حقوق بشری بین‌المللی و از طرف دیگر مربوط به امور بودجه‌ای و مالی نهادهای صادر کننده حکم در هر نظام می‌باشد.

بر این اساس به نظر می‌رسد ایجاد نظامی که هزینه‌های اجرای حکم را تقسیم می‌کند، از لحاظ مالی امکانپذیر بوده و از جنبه سیاسی نیز قابل قبول باشد، چرا که این راهکار عادلانه بوده و

روش مناسبی نسبت به نگهداری محکومین در مراکز بازداشت نهاد صادر کننده حکم می‌باشد. به عنوان مثال نظام بین دولتی نقل و انتقال زنده زمانی در بریتانیا که قبلاً بر یک مکانیزم «رضایت سه جانبه» (دولت صادر کننده حکم، دولت اجرا کننده حکم و زندانی) مبتنی بود، در حال حاضر نسبت به یک «رویه دوجانبه» حرکت می‌کند که در آن رضایت زندانی شرط نیست. حتی می‌توان گفت که نظام بین دولتی نقل و انتقال زندانی در بریتانیا از این هم فراتر رفته و ممکن است صرفاً بر اساس «تصمیم یک‌جانبه» دولت صادر کننده حکم عمل کند. با وجود آنکه در رویه نظام ICJ هنوز رضایت دو طرفه دیوان کیفری بین‌المللی و دولت مجری حکم جهت انتقال زندانی ضروری است، با این حال نقطه نظرات زندانی، جزء لاینفکی از پروسه انتقال بوده و انتخاب دولت‌های مجری حکم توسط دیوان کیفری بین‌المللی، تحت تأثیر ملاحظات انسان دوستانه و کیفر شناسی بوده است. است هم‌اکنون هر دو نظام بین‌المللی و بین دولتی انتقال زندانی با اعطای مشوق‌های مالی به دولت‌ها درصد افزایش و ارتقای مشارکت دولت‌ها بوده و با اختصاص منابع مالی به دنبال تأمین رفاه زندانی هستند (یوسفی مراغه ای و کونانی، ۱۳۹۴: ۳۸).

هدف اصلی نظام انتقال بین دولتی عبارت است از تسهیل بازپروری اجتماعی و باز اجتماعی شدن زندانی نی از طریق انتقال وی به قلمروی دولتی که علقه‌های زبانی، فرهنگ، اقتصادی و اجتماعی با زندگی داشته تا بدین وسیله شرایط آزادی وی فراهم گردد. اگرچه، «پیشبرد اهداف عدالت» نیز می‌باشد، با این حال اهداف کیفر شناسانه نسبت به ارجحیت و اولویت دارد؛ چرا که «عدالت» ممکن است از طریق اجرای حکم مذکور در قلمرو دولت اجرا کننده، محقق شود بنابراین عدالت فرع بر اهداف کیفر شناسانه است، به عبارت دیگر یکی از اهداف کیفر شناسانه همان بازپروری اجتماعی زندانی بوده که ممکن است به واسطه اجرای حکم در قلمرو دولت اجرا کننده، محقق گردد فی الواقع این، همان «عدالتی» است که جزو اهداف نظام بین دولتی بوده و در پرتو اهداف کیفر شناسانه، یعنی اجزای حکم و بازپروری اجتماعی زندانیان محقق شده است.

فرایند نظام بین دولتی همچنین منافع و مزایای بشردوستانه ای برای زندانی و خانواده‌اش به همراه دارد، چرا که به حکم مجازات در کشوری به اجرا درمی‌آید که زندانی مقیم آن بوده و علقه‌های اجتماعی با آن دارد، به علاوه اینکه خطر انزوای زبانی، فرهنگی و مذهبی زندانی را کاهش داده و برقراری روابط خانوادگی را برای وی تسهیل می‌کند. نظام بین دولتی همچنین ممکن است در مواردی که تبعه یک دولت در خارج از قلمرو آن محکوم شده و شرایط و

وضعیت وی در قلمرو دولت صادر کننده حکم «نامناسب» می‌باشد، منجر به انتقال زندانی به قلم را به دولت متبوعش گردد. به عنوان مثال اخیراً دولت بریتانیا با استناد به مقررات نظام بین دولتی زن حامله‌ای بریتانیایی را که به خاطر قاچاق مواد مخدر در لائوس محکوم شده بود، جهت اجرای حکم حبس به قلمرو بریتانیا عودت داد تا بدین وسیله وی در کنار خانواده‌اش، وضع حمل کرده و از مزایای پزشکی و بهداشتی بریتانیا بهره‌مند گردد. استناد به مقررات نظام بین دولتی جهت حمایت از اتباع که خارج از قلمرو دولت متبوعشان با مشکل مواجه می‌شوند، بدون شک نشأت گرفته از سیاست داخلی رایج یک دولت است. علاوه بر این موارد، نظام بین دولتی به عنوان یک «ابزار سیاست خارجی» می‌تواند جهت تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در زمینه اجرای احکام کیفری و حقوق مورد استفاده قرار گیرد.

عدم ضرورت جلب رضایت زندانی در نظام بین دولتی - ممکن است بدین صورت توجیه شود که نظام بین دولتی انتقال، موجب تسهیل بازپروری مجرم‌ان گردد، اما بایستی توجه داشت که نه نقطه نظرات زندانی و نه دولت اجرا کننده حکم راجع به مفید نبودن انتقال برای بازپروری زندانی به موجب طرح چارچوب (اصول) اتحادیه اروپا دلیلی برای عدم اجرای حکم محسوب نمی‌گردد و بلکه این امر می‌تواند تنها بر اساس پروتکل الحاقی پیشنهادی آن هم تحت شرایط استثنایی میسر گردد؛ بنابراین دولت بریتانیا می‌تواند نظام بین دولتی بدون رضایت زندانی را بر مبنای «حق حمایت عمومی» توجیه نماید و همان‌طور که می‌دانیم استناد به اینکه نظام بین دولتی منجر به تسهیل بازپروری زندانی می‌شود، محتملی ندارد. بجای اینکه شخص محکوم پس از اجرای حکم به کشور خودش، تبعید شود، می‌توان وی را در جریان اجرای حکم به کشورش منتقل نمود که این امر باعث خواهد شد تا سازمان زندان‌های کشور مستقل الیه، پیشرفت و اصلاح زندانی را تحت نظر داشته و با اعمال مکانیزم‌های نظارتی بر پیشرفت وی در مرحله پس از انتقال، نظارت نماید. با توجه به اینکه در نظام بین دولتی، بازپروری زندانیان از دولت صادر کننده حکم به دولت اجرا کننده تقویض می‌شود، به وضوح می‌توان گفت که نظام موصوف به عنوان یک ابزار قانونی جهت اتباع محکوم شده به کشور خودی، محسوب نمی‌گردد بلکه دست‌آویزی مناسب جهت انتقال زندانیان خارجی از زندان‌های پر ازدحام دولت انتقال دهنده به حساب می‌آید، از این روست که منطبق و اساس حاکم بر نظام انتقال بین دولتی در طول سال‌های متمادی از اهداف کیفر شناسانه به سمت معیارها و رویکردهای بشردوستانه، سیاسی، حق حمایت عمومی و در نهایت به

عنوان یک ابزار مدیریت صلاحیت کیفری، متحول شده است؛ اما اساس و منطق حاکم بر نقل و انتقالات زندانیان در نظام عدالت بین‌المللی (ICJ) در نقطه مقابل نظام بین دولتی قرار دارد (یوسفی مراغه ای و کونانی، ۱۳۹۴: ۴۴).

دلیل اصلی شکل‌گیری نظام اجرای احکام دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیاز عملی به ایجاد صلاحیت کیفری برای آن دادگاه‌ها بوده است این اعتماد به دولت‌ها باعث خواهد شد تا دادگاه‌های بین‌الملل جهت اجرای مستقیم احکام خود، صلاحیت رسمی به دست آورند.

برخلاف نظام بین دولتی سستی که در آن شانس و فرصت گذراندن محکومین در کشور متبوع زندانیان به آنان داده می‌شود، در نظام انتقال بین‌المللی، (ICJ) بسیار بعید است که یک زندانی بین‌المللی جهت گذراندن محکومیت، به کشور متبوعش منتقل گردد. با این حال، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به دنبال انعقاد توافق‌نامه با کشورهایی هستند که در منطقه اصلی زندانی قرار دارد تا بدین وسیله نگرانی‌های بشردوستانه را مدنظر قرار داده و باعث افزایش احتمال باز اجتماعی شدن موفق زندانی گردند بنابراین بدیهی است که دادگاه‌های بین‌المللی به اجرای صرف و منفعلانه احکام خود اکتفا نمی‌کنند، بلکه با در پیش گرفتن یک رویکرد و روش فعالانه‌تر درصدد انتقال زندانیان به کشورهایی هستند که اهداف و معیارهای بشردوستانه و کیفر شناسانه در آنجا به اجرا درمی‌آید (یوسفی مراغه ای و کونانی، ۱۳۹۴: ۴۶).

هر دو نظام انتقال بین دولتی و بین‌المللی پدیده‌ای مدرن بوده و به سبب بین‌المللی شدن علل و اثرات جرم به وجود آمده‌اند. بین‌المللی شدن جرائم منجر به همکاری دولت‌ها در زمینه موضوعات کیفری شده است. این امر نیز به نوبه خود باعث افزایش نقل و انتقالات زندانیان به خارج از مرزهای قضایی و حاکمیتی می‌گردد. هر دو نظام مذکور توأماً جهت مدیریت کیفری از اتباع خارجی زندانی در بریتانیا به اجرا درمی‌آید. در نظام ICJ اتباع خارجی در هر کجای دنیا هم مرتکب جرم شوند به زندانی‌های داخلی یک کشور از جمله بریتانیا منتقل می‌گردند، در حالی که نظام بین دولتی بیشتر به عنوان ابزاری جهت انتقال خارجیانی که در داخل یک کشور مرتکب جرم شده و بودنشان در کشور محل جرم به صلاح نیست، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر این اساس می‌توان گفت که نظام بین دولتی از یک دیدگاه اصول‌گرایانه به یک رویکرد عمل‌گرایانه در خصوص انتقال زندانی تغییر رویه داده، اما در عوض، نظام ICJ نیز بجای تکیه و اعتماد صرف عمل‌گرایانه به صلاحیت کیفر ملی کشورها جهت اجرای احکام دادگاه‌های بین‌المللی

به سمتی حرکت می‌کند که تا اهداف بشردوستانه و کیفر شناسانه در روند تعیین کشورهای اجرا کننده احکام بین‌الملل مدنظر قرار گیرد.

اما آنچه که در این نوع از ناظم انتقال بین‌المللی محکومان و از منظر این رساله مورد توجه است، این است که بخش مهمی از این فرآیند دولتی، از طریق وکلای دادگستری صورت می‌پذیرد و بایستی وکلای بین‌المللی وجود داشته باشند تا برخی از مراحل این انتقال صورت پذیرد. درست است که نقش وکلا در این نوع نظام شاید به میزان انتقال بین دولتی و دوجانبه نباشد، لیکن فعالیت وکلای بدون مرز و وکلایی که در ابعاد بین‌المللی و در راستای فعالیت‌های بشردوستانه خدماتی را ارائه می‌دهند در این حوزه قابل توجه است. بسیاری از ابتکارات مرتبط با انتقال بین‌المللی محکومان ناشی از فعالیت‌های چنین گروه‌هایی بوده است.

وکالت ابزار جهانی شدن

درست است که پدیده جهانی شدن، منجر به ایجاد پدیده‌های وکالت جهانی و بین‌المللی شده است، لیکن وکالت در ارتباط با موضوع جهانی شدن، به عنوان ابزار هم به کار می‌آید. به عبارت دیگر مسائل جامعه به عنوان موضوعات مورد توجه همه یکی پس از دیگری بازتعریف می‌شوند و این تعریف دوباره، نه از نظر یک دولت بلکه از دیدگاه جهانی انجام می‌گیرد. این ساختارها به همین اندازه اکتفا نمی‌کنند بلکه باعث می‌شوند محدودیت‌هایی برای دولت به ملت‌ها ایجاد گردد. به گونه‌ای که برخی از سازوکارهای خود را در اداره اجتماعی از دست می‌دهند.

«از یک منظر دیگر می‌توان گفت آن بخش از نهادها و منابعی که دولت‌ها در ساخت و ایجادشان نقش مؤثر ایفاء کرده‌اند و حقوق بین‌المللی، بخش عمده آن است، نتیجه تفاهم میان دولت‌هاست و به عبارت دیگر تفاهم و تفویض قدرت به یک سازمان بین‌المللی در قانون‌گذاری و یا حل برخی دعاوی و یا به مراجع دیگر می‌باشد. شاید بتوان گفت زمانی که تفویض صلاحیت به یک سازمان بین‌المللی انجام می‌گیرد، می‌توان آن را حرکت و اقدامی جهانی نامید البته اگر همین عمل تنها برخی دولت‌ها را شامل گردد نمی‌توان آن را جهانی دانست» (داله، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

تدوین و توسعه حقوق کیفری از اولین موضوعات داخلی بود که مورد توجه سازمان ملل قرار گرفت. علیرغم اینکه برخی بزهکاری را صرفاً موضوعی حقوقی و مربوط به نظم کشورها دانسته و به موجب بند ۷ منشور ملل متحد، آن را در صلاحیت سازمان ملل متحد نمی‌دانستند، این

سازمان پس از تشکیل با استفاده از تجارب جامعه ملل تلاش جهت تدوین ابزارهای مختلف سیاست جنایی را آغاز نمود تا دولت‌های عضو بتوانند نظام‌های حقوق کیفری و غیر کیفری، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را تنظیم، ارزیابی و هماهنگ نمایند.

«اگر سازمان ملل متحد یکی از قلمروهای فعالیت و برنامه‌های تخصصی، فنی خود را سیاست جنایی یعنی سیاست‌گذاری در زمینه مبارزه با بزهکاری، پیشگیری، اصلاح مجرمین و اداره علمی مؤسسات زندان قرار داده است، با اعتقاد بر این بوده که بزهکاری مانعی بر سر راه توسعه ملل می‌باشد» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۵: ۲۹۶). به نظر می‌رسد اصول راهبر مذکور و یا به عبارت دیگر ضوابط و هنجارهای شکل گرفته از یک سو نه تنها می‌تواند نتیجه تعامل و همکاری ملل متحد تلقی گردد بلکه از حیث علمی و فنی می‌تواند قابل اعتماد باشد (جوانمردی، ۱۳۹۱: ۹۴).

«بخش مهمی از نیروها و جنبش‌های مذکور، سازمان‌های و نهادهای غیردولتی هستند. آمارها نشان می‌دهند تعداد این سازمان‌ها که زمانی در حد صفر بوده، در یک‌صد سال گذشته به رقم ۱۵۰۰۰ در دهه ۹۰ رسیده است. مرحله شتابان این رشد از حدود سال‌های ۱۹۶۰ است. از جمله قدیمی‌ترین این نهادها را باید اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری دانست. زیرا اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در زمانی ایجاد شد که تعداد این نوع سازمان‌ها اندک بود و این می‌تواند نشانه‌ای بر اهمیت موضوع از حیث اشتراک کشورها در مسائل کیفری و حل آنها باشد» (جوانمردی، ۱۳۹۱: ۹۶).

در ارزیابی‌های اولیه هم که از نقش نهادهای غیردولتی حقوقی از جمله بین‌المللی کیفری می‌توان گفت که این سازمان‌ها چه بخواهند یا نخواهند به مسئله وحدت حقوقی برخورد کرده و تمایل دارند تعدد و تنوع نظام‌های مختلف حقوقی و کارایی و مشروعیت آنها را زیر سؤال ببرند. شاید گزاف نباشد اگر ادعا کنیم، تمامی آنانی که حقوق را تنها از منظر نظام حقوقی کشور خود نمی‌نگرند به وحدت حقوق تمایل دارند.

«جهان‌گرایی» (Globalism) و یا «جهانی شدن» (Globalization) از جمله مسائل مهمی است که در سال‌های اخیر موضوع بحث محافل گوناگون بین‌المللی بوده است. «جهانی شدن» ناشی از پیشرفت‌های بنیادین در زمینه ارتباطات، تکنولوژی، حمل و نقل و سایر مواردی بوده که دسترسی بیشتر انسان‌ها به افکار و محصولات یکدیگر را فراهم ساخته است. در نتیجه این امر، به‌واسطه مرتفع شدن بسیاری از محدودیت‌ها که سابقاً بر سر راه ارتباط همه‌جانبه افراد و همچنین واحدهای سیاسی و غیرسیاسی نظام بین‌المللی وجود داشت، شاهد پیدایش و افزایش

اشکال جدیدی از ارتباط و مبادله در سطح جهان می‌باشیم. در اینجا لازمست تا به منظور شفافیت مفهوم گلوبالیزم توضیحی در باب دو اصطلاح جهانی شدن و جهان‌گرایی که ترجمه‌های واژگان فوق هستند، ارائه گردد و نباید جهانی شدن و جهان‌گرایی را برای توضیح یک فرآیند یا پدیده‌ای بکار برد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

جهانی شدن یعنی آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آراء و نظریه‌های دیگران، در صورتی که جهان‌گرایی نفی دیگران است، نفوذ در فرهنگ‌های دیگر و مخل برخورد ایدئولوژی‌هاست. جهان‌گرایی در لغت به معنای تعمیم و توسعه یک شیء یا یک مسئله است به اندازه‌ای که جهان را شامل شود. در واقع جهان‌گرایی یعنی اندیشه سلطه‌جویی و در نهایت قلع و قمع و از بین بردن آداب و سنن ملل، اما جهانی شدن عبارتست از اندیشه برتری یافتن و پیشرفت آداب و سنن از حالت اقلیمی و خصوصی به جهانی، جهان‌گرایی تسلط بر جهان و سیطره بر آن است، در صورتی که جهانی شدن یعنی گشودن درهای استقبال به روی هر آنچه که جهانی است (امیری، ۱۳۹۷: ۱۴).

جهانی شدن از جمله اصطلاحات مناقشه برانگیزی است که هیچ تعریف واحدی برای آن پذیرفته نشده است. واژه «Globalization» که از دهه ۱۹۸۰ در ادبیات تخصصی و عمومی به چشم می‌خورد حکایت از تغییرات مهمی در اجتماعات انسانی دارد، مصدر شناخته شده از **Global** و **Globe** به معنی جهان و جهانی است که در ادبیات فارسی به «جهانی شدن» ترجمه شده است (قراگوزلو، ۱۳۸۱: ۸۵). در کنار ویژگی نو بودن اصطلاح و مقوله «جهانی شدن»، ابهام و تنوع در تعریف‌ها را باید به ویژگی‌های «جهانی شدن» افزود. به نظر آنتونی گیدنز: «جهانی شدن شامل تراکم دنیا به عنوان یک کل و از طرف دیگر افزایش سریع در اجماع و پایه‌گذاری فرهنگ جهانی است» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۵). اما مشهورترین تعریفی که در این مقوله وجود دارد تعریف رابرتسون می‌باشد، ایشان تعریفی را ارائه می‌دهد که شامل عناصر جهانی شدن است. به نظر ایشان می‌توان جهانی شدن معاصر را در کلی‌ترین معنای آن همچون شکلی از نهادینه شدن روند دوگانه‌ای دانست که متضمن جهان‌شمولی و ویژه شدن جهان‌گرایی است (Robertson, 2012: 102). پروفیسور دلماس مارتی در سال ۱۹۹۹ جهانی شدن حقوق را به‌طور عمومی بررسی کرده و در آن جهانی شدن حقوق را به معنای وحدت و اشتراک در اصول و مقررات تجزیه و تحلیل کرده و در آنجا که قضیه پینوشه و اتهامات او را مطرح می‌کند و با توجه به اظهارنظرهای قضایی که

شده بود می‌گوید اگر تعریف جنایات، جهانی شده است مجازات آنها نیز باید جهانی شود. نگاه ایشان را با توجه به آنچه در ادامه مقاله «جهانی شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات» (دلماش و میری، ۱۳۷۷: ۱۲۱). در خصوص مباحث شیوه‌های جهانی شدن یگانه‌سازی، یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی می‌نویسد: «باید ملحق به نگاه پروفیسور لومبا در وحدت حقوق کیفری نمود» اما ایشان در نهایت جهانی شدن جرم را در معنای دیگری بکار می‌برد. وی در تحلیل حمله‌های ۱۱ سپتامبر آنها را جرم جهانی نامیده و در تحلیل این نام‌گذاری، استراتژی حمله‌کنندگان و آثار حملات را که فراتر از مرزهای ایالات متحده توسعه پیدا کرد عنوان می‌نماید. در توضیح استراتژی حمله‌کنندگان، اهداف آنها را به حمله به نظم عمومی بلکه حمله به بنیان‌های جامعه غربی و کشتن شهروندان از تمام کشورهای دنیا معرفی می‌کند و بنابراین آن را یک مفهوم جدید یعنی جرم جهانی می‌داند (دلماش و میری، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

جرم جهانی در این معنا، مصداق مفهوم پایه در جهانی شدن و جزیی از فرضیه جهانی شدن حقوق کیفری است که رخداد آن مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این مفهوم جدید می‌توان گفت آنچه به عنوان ایده و نظریه وحدت حقوق از دیرباز مطرح بوده با مفهوم اخیرالذکر متفاوت و با وجود اشتراک در لفظ، در معنا با آن متفاوت است (مک کرکودال و فربرادر، ۱۳۸۱: ۹۸).

در این ترجمه از Globalization با واژه‌ای برابر با جهانی شدن با مضمون فرآیند و روندی که در حال انجام و رو به جلو است تعبیر می‌شود. روند جهانی شدن در واقع بخشی از «جهان هر چه به هم وابسته‌تری» است که در آن روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منحصر و محدود به مرزهای سرزمین یا بازیگران دولتی نمی‌شود و هیچ کشور یا واحدی نیست که از رویدادهای خارج از کنترل مستقیم خودش متأثر نشود.

جهانی شدن دارای عرصه‌ها و ابعادی است، آنتونی گیدنز با خاطر نشان کردن اینکه هم مدافعان و هم معترضان جهانی شدن تمایل دارند پدیده جهانی شدن را الزام پدیده اقتصادی بدانند و چه بسا این اشتباه را پاره‌ای از اقتصاددانان نیز مرتکب می‌شوند، اما حقیقت آن است که جهانی شدن سیاسی و فرهنگی نیز است و با ارتباطات عجین شده و مهم‌ترین عامل دگرگونی در زندگی سی ساله اخیر، نه اقتصاد بلکه ارتباطات بوده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۱۴). از این سخنان گیدنز به خوبی می‌توان دریافت که ارتباطات موضوع جهانی شدن نیست بلکه ابزار، وسیله و عامل جهانی شدن است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد نیز موضوعات آن است. از این رو ظاهراً جهانی شدن

مختص به اقتصاد نبوده و فرهنگ و سیاست نیز جهانی شدن را شناسایی می‌کند به‌ویژه در مفاهیمی مانند آزادی، دموکراسی اصول حقوقی، فقر، محیط‌زیست، تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی و نشان می‌دهد فرآیند جهانی شدن حمایت جهانی از حقوق بشر را در نظام بین‌المللی پررنگ‌تر می‌نماید.

جهانی شدن به عنوان یک فرآیند همه‌جانبه و فراگیر می‌تواند در بخش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح شده و به درک مشترک بین‌المللی از مسائل پیش روی منجر گردد.

در این فرآیند، نظام بین‌المللی حاکم بر کشورها به لحاظ سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی تحت تأثیر قرار گرفته و در نهایت آثار متفاوتی بر اصول حقوقی، روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و همین‌طور حق توسعه جوامع بر جای می‌گذارد. به‌گونه‌ای که اگر تا مدت‌ها نظام جهانی بر اساس مفهوم حاکمیت قرار داشت، امروزه به دلیل جهانی شدن ابزارهای اطلاع‌رسانی و امکان به وجود آمدن فهم مشترک میان ملت‌ها، حاکمیت‌ها را در نحوه اعمال حاکمیت و روش‌های برخورد با شهروندان عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

در فرآیند جهانی شدن، پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و جهان‌شمولی این اعلامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر از سوی واحدهای سیاسی به عنوان منشأ و سرچشمه حقوق بشر در نظام بین‌المللی و روابط میان کشورها برجسته‌تر می‌شود (مک کرکنودال و فربرادر، ۱۳۸۱: ۹۸).

در فرآیند جهانی شدن به اصطلاح *Globalization from up* و *Globalization from below* وجود دارد که ابعاد جهانی شدن می‌باشد. جهانی شدن از بالا بر تفکر سیستم اقتصاد آزاد و لیبرال متکی است که به نقش سازمان‌های بین‌المللی و نقش شرکت‌های فراملیتی ارتباط پیدا می‌کند (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۱: ۲۱). در حالی که جهانی شدن از پائین، جریانی مردم‌گرا است و عناصر اصلی آن، حقوق بشر، آزادی‌های عمومی، حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار است. سازمان‌های مردمی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نهادهایی هستند که بر اساس ارزش‌های انسانی در مقابل جهانی شدن از بالا موضع گرفته و آن را به پیش می‌برند. به عبارت دیگر جهانی شدن از دیدگاه برخی از اندیشمندان از جمله پروفیسور فالک،^۱ به دو شیوه صورت می‌گیرد. یکی ناظر بر جهانی شدن از بالا که بیانگر همکاری میان کشورهای پیشرفته و عاملان اصلی تشکیل

^۱ Falk, Richard

سرمایه در جهان امروز است که عمدتاً حول فعالیت‌های شرکت‌های فراملی، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و سایر تحولات مشابه می‌گردد و در مقابل جهانی شدن از پائین که مشارکت مردمی در سطوح محلی، ایجاد جوامع مدنی، تقویت سازمان‌های غیردولتی به عنوان بخشی از تقویت اشکال نهادی و فعالیت‌های مرتبط با جامعه مدنی جهانی را شامل می‌شود و اصول حقوقی به تبع حقوق بشر عمدتاً در این حیطه قرار می‌گیرند (مارتی، ۱۳۹۲: ۷۸).

در چنین ساختاری که ناشی از جهانی شدن است و به طور حتم در ابعاد حقوقی آن جنبه‌های کیفری متعددی مطرح می‌شود. در بعد جهانی شدن از پایین که نیازمند مشارکت مردمی در سطوح محلی، ایجاد جوامع مدنی، تقویت سازمان‌های غیردولتی و تقویت فعالیت‌های مرتبط با جامعه مدنی جهانی است، ایجاد تشکیلات جهانی و بین‌المللی وکالت و تقویت آنها از قبیل اتحادیه‌های بین‌المللی وکلا، اتحادیه‌های منطقه‌ای وکلا، اجتماع‌های جهانی و بین‌المللی وکلا و غیره به عنوان یک ابزار مهم در راستای جهانی شدن تلقی می‌گردد و در واقع یکی از ضروریات جهانی شدن در دنیای امروزی این است که وکالت نیز جنبه جهانی به خود بگیرد و همسو با تحولات این حوزه وکالت نیز از یک امر داخلی به امری جهانی تبدیل شود.

ضرورت ناشی از اجرایی نمودن حق برخورداری از وکیل مدافع از منظر حقوق بین‌المللی

ماحصل پذیرش «اصل برابری سلاح‌ها» در کشورهای مختلف، که متأثر از دادرسی منصفانه‌ی مذکور در اسناد بین‌المللی نظیر ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است، توافقی نمودن هرچه بیشتر دادرسی به ویژه در مرحله‌ی تحقیقات و بازجویی‌های نخستین و در نتیجه گرایش به سوی نظام اتهامی است. بدین سان «اصل برابری سلاح‌ها در مورد همه‌ی مراحل آیین دادرسی که ارتباط مستقیمی با تصمیم درباره‌ی گناهکاری یا بی‌گناهی منهدم دارد، اعمال می‌شود» و چنین تضمینی مسنلزم این است که هریک از طرف‌ها از همان آغاز روند رسیدگی و مراحل پیش از محاکمه که پرونده‌ی کیفری در حال تشکیل است، از تسهیلات، فرصت‌ها و امکانات کافی بهره‌مند باشد تا بتواند دفاعی مناسب از خود ارائه دهد. یکی از اجزای ذاتی محاکمه‌ی عادلانه عبارت از حقوقی است که در معنای نسبتاً محدود، حقوق قانونی تلقی می‌شود و شامل آزاد بودن از چیزی (مصونیت)، مانند حق بر عدم بازداشت خودسرانه و یا برخورداری از چیزی، مثل حق برخورداری از وکیل مدافع است. بر

این اساس، اصل تساوی سلاح‌ها معتبرترین تئوری ارائه شده در زمینه‌ی حق بهره‌مندی از وکیل در مرحله‌ی پلیسی است. که به موجب آن، با تشبیه تقابل مظنون و مقام تعقیب به طرف‌های مبارزه و لزوم در اخنبار داشتن امکانات دفاعی مساوی، سعی بر حفظ حقوق مظنون از طریق برخورداری از مساعدت وکیل مدافع شده است (فضایلی، ۱۳۸۷: ۴۲).

با عنایت به این که در رویه‌ی محاکم کیفری بین‌المللی از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر، حضور وکیل به عنوان اصلی جهت تضمین دادرسی مبنی بر عدالت که با «مقوله‌ها و مفاهیم همسایه و هم خانواده ای مانند برابری، اخلاق، قانون، انصاف و آزادی درمی آمیزد»، پذیرفته شده است. برای تحقق این امر در مراجع کیفری بین‌المللی چاره‌ای جز پذیرش مفهوم وکالت بین‌المللی در امور کیفری نداریم.

اسناد و مقررات بین‌المللی الزام آور حقوق بشر هرچند به طور کلی به بیان حق برخورداری از وکیل مدافع پرداخته‌اند، اما «گسرنه‌ی این حق، تمامی مراحل رسیدگی از جمله مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی را دربرمی گیرد» (صابر، ۱۳۸۶: ۲۴۵). رویکرد مراجع نظارتی و تفسیرکننده‌ی آن‌ها نیز در تبیین حق مزبور در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی صریح و روشن‌نگر بوده است. از این رو کمیته‌ی حقوق بشر تأکید می‌کند که حق اشخاص در منصفانه بودن دادرسی این است که مظنون بتواند در مرحله‌ی تحقیقات، بازجویی و بازداشت از مشاور حقوقی برخوردار شود. حال در این خصوص برای اینکه یک متهم در مراجع کیفری بین‌المللی از این حق بهره‌مند شود، لزوماً بایستی وکلایی با صلاحیت بین‌المللی برای دخالت در این مرحله وجود داشته باشند و تمامی اسناد بین‌المللی این موضوع را به رسمیت شناخته‌اند.

در حالیکه تلاش حقوق بین‌الملل و اسناد آن در راستای تحقق کامل حق برخورداری از وکیل در نظام‌های داخلی است و کشورها را به طرق مختلف مجبور به رعایت حق برخورداری از وکیل در دعاوی کیفری می‌نماید، بدیهی و طبیعی است که این نظام برای رسیدگی‌های کیفری که در قلمرو خود آن و در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی صورت می‌پذیرد این الزام و ضرورت را بپذیرد. به بیان ساده‌تر، مقررات حقوق بین‌الملل نظام‌های حقوق داخلی را ملزم می‌کند تا حق برخورداری از وکیل در مراجع کیفری آنها به رسمیت شناخته شده و به اجرا درآید، در نتیجه و به طریق اولی این حق بایستی در تمامی رسیدگی‌های مرتبط به دادرسی‌های کیفری که در عرصه بین‌المللی و یا مرتبط با آن صورت می‌پذیرد، رعایت شود و چون وکالت در این عرصه لزوماً بایستی واجد جنبه‌های بین‌المللی

باشد، ضرورت بین‌المللی شدن وکالت را از آن می‌توان استنباط کرد.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن یک پدیده کثیرالوجه و چندوجهی است. یکی از ناکامی‌های محققان در ارائه تعریفی جامع از جهانی شدن، در همین چندبعدی بودن آن است. این چندوجهی بودن را هم در علل یا دلایل جهانی شدن و هم در پیامدها و بازتاب‌های جهانی شدن می‌توان مشاهده کرد. برای جهانی شدن ابعاد گوناگونی از جمله اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیک، اجتماعی، پزشکی و بهداشتی، ارتباطاتی، امنیتی، زیست‌محیطی و غیره نام برده می‌شود. این یک واقعیت است که هرگونه پدیده جدید اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیک، اجتماعی، ارتباطی و غیره واجد ابعاد حقوقی جدید می‌باشد. پدیده جهانی شدن نیز خارج از این مقوله نیست. جهانی شدن وکالت در امور بین‌المللی در شرایط حاضر یک مفهوم مطلق نیست و اصلاً بدان معنی نیست که به عنوان یک حکم کلی، هر وکیل دادگستری صلاحیت وکالت در کشورهای دیگر را نیز دارد، شاید اگر روزی مفهوم واقعی دهکده جهانی محقق شود، این مفهوم نیز محقق شود. در حال حاضر و به عنوان یک امر نسبی جهانی شدن وکالت در امور بین‌المللی بین معناست که بایستی در حد رفع نیاز و ضرورت امکان وکالت برخی از وکلای دادگستری در ابعاد جهانی و در کشورهای دیگر در راستای کمک به تأمین عدالت کیفری محقق شود. بسیاری از اشخاص در کشور دیگری غیر از کشور متبوعشان درگیر یک پرونده کیفری می‌شوند و لزوم حمایت حداکثری از این اشخاص اقتضا دارد تا جهانی شدن وکالت در امور بین‌المللی را بپذیریم. در ابتدای امر ممکن است که مفهوم بین‌المللی شدن وکالت در امور بین‌المللی با مفهوم جهانی شدن آن یکسان در نظر گرفته شود. لیکن بین‌المللی شدن وکالت مفهومی متفاوت از جهانی شدن وکالت است. بین‌المللی شدن وکالت ناشی از این موضوع است که امروزه مراجع بین‌المللی که تحت حاکمیت کشور خاصی نیستند به وجود آمده‌اند و دارای وصف بین‌المللی هستند. در نتیجه وکالت در این مراجع و نزد این مراجع خصلت بین‌المللی به خود می‌گیرد. بین‌المللی شدن وکالت به این معناست که وکلا در نظام‌های حقوق داخلی کشورها تربیت یافته و وکیل می‌شوند، لیکن تحت شرایطی اجازه دارند تا در مراجع با وصف بین‌المللی نیز وکالت کنند. مهم‌ترین مصادیق وکالت در امور حقوقی بین‌المللی در جنبه‌های جهانی به مواردی بر می‌گردد که یک وکیل در کشور دیگری غیر از کشور محل اخذ پروانه مبادرت به وکالت در امور حقوقی می‌نماید. موارد وکالت در امور کیفری که

ناشی از اصول مرتبط با صلاحیت حقوقی بین‌المللی از قبیل صلاحیت شخصی و واقعی هستند و همچنین موارد وکالت در امور حقوقی بین‌المللی که ناشی از رسیدگی به جرایم بین‌المللی قراردادی هستند به همراه اقداماتی که وکلای حقوقی در راستای همکاریهای قضایی بین‌المللی در امور از قبیل انتقال محکومان انجام می‌دهند، از مهم‌ترین مصادیق وکالت در امور جهانی هستند. مصادیق وکالت در امور بین‌المللی تابعی از دادگاه‌های بین‌المللی است. به طور کلی هر جا صحبت از تشکیل یک دادگاه بین‌المللی از هر نوعی مطرح می‌شود. موضوع وکالت در امور بین‌المللی مطرح می‌گردد. در این خصوص دو مصداق مهم یکی وکالت از متهم در دادگاه بین‌المللی است و دیگری وکالت از بزه‌دیدگان جرایم بین‌المللی ذاتی و در راستای عملی نمودن حق مشارکت بزه‌دیدگان در فرآیند دادرسی می‌باشد. امروزه وکالت در امور بین‌المللی که از مصادیق نقض حقوق بشر هستند و مرتبط با امور حقوقی نیز می‌باشند از مصادیق مهم دیگر وکالت در امور حقوقی در بعد بین‌المللی است.

پیشنهادات

اتحادیه بین‌المللی وکلا از وضعیت انفعالی حاضر خارج شده و نقش فعال تری را در حوزه جهانی شدن وکالت در امور حقوقی ایفا نماید. آنچه که امروزه در حوزه حضور وکلا در کشورهای دیگر شاهد آن هستیم، حاصل ابتکار و تلاش شخصی خود وکلا در این حوزه است. با قبول این موضوع که حضور وکلا در کشورهای دیگر برای وکالت و به خصوص برای اتباع خود در کشورهای دیگر، نیازمند همکاری کشورها در درجه اول است، لکن متعقاد کردن کشورها لازمه اش این است که اتحادیه بین‌المللی وکلا در مرتبه اول سازوکارهای لازم را در این خصوص در ارتباط با خود کانون‌های وکلا پیش‌بینی نماید. امری که کمتر به آن توجه شده است.

در راستای فراهم شدن مقدمات جهانی شدن وکالت، برای وکلایی که دارای چندین سال سابقه وکالت هستند و علاقه مند به وکالت در کشورهای دیگر هستند، دوره‌های آموزشی در راستای وکالت در برخی از کشورها پیش‌بینی شود. به طور مسلم کشورهایی که اتباع یک کشور در ارتباط بیشتری با آن هستند از اولویت برخوردارند.

انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین کانون‌های وکلای کشورهای مختلف، می‌تواند به جهانی شدن وکالت در امور حقوقی بین‌المللی کمک نماید.

منابع

- امیری، مهدی (۱۳۷۹). ابعاد و پیامدهای جهانی شدن فرهنگ، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۳.
- جوانمردی، مرتضی (۱۳۹۱). جهانی شدن حقوق کیفری، پایان نامه دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران.
- داریزین، حسین (۱۳۹۶). اخلاق حرفه‌ای وکیل دادگستری در ایران، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ اول
- داله، ایو (۱۳۷۸). دولت و جهانی شدن حقوق، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵ و ۲۶.
- دلماش، مارتی و میری، امیرارجمند (۱۳۷۷). جهانی شدن حقوق: فرصتها و خطرات. ترجمه دکتر اردشیر. حقوقی بین المللی، ۱۷ (۲۴): ۱۲۱-۱۴۸.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۴). جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- سینایی، وحید و ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۸۳). جهانی شدن و کثرت زدایی فرهنگی، مجلس و پژوهش، ۱۱ (۴۳): ۱۰۷-۱۳۹.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۸۱). درآمدی بر رویارویی حاکمیت‌ها و جهانی شدن حقوق بشر. مجله راهبرد، ۲۳ (۱): ۱۵-۲۶.
- صابر، محمود (۱۳۸۶). نظام دادرسی و ادله دیوان کیفری بین المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- فضایلی، مصطفی (۱۳۸۷). دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی شهر دانش، تهران: انتشارات نوآوران دانش.
- فضائلی، مصطفی و ملاکه، ابراهیم (۱۳۹۴). حق داشتن وکیل در اسلام و حقوق بین المللی بشربا تاکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲ (۳): ۱۴۳-۱۷۳.
- قراگوزلو، محمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، سیاسی و اقتصادی، ۱۷ (۱): ۸۱-۹۵.
- گیدنز، آتونی (۱۳۸۰). جهانی شدن، کنترل دنیای عنان‌گسیخته، ترجمه استاد رحیمی رضا، تهران: انتشارات نوآوران دانش.

مارتی، میری دلماس (۱۳۹۲). جهانی شدن حقوق چالش های سه گانه، ترجمه علیرضا مسلانی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

مک کرکئودال، روبرت و فربرادر، ریچارد (۱۳۸۱). جهانی شدن و حقوق بشر. ترجمه صفرعلی محمودی. اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۷۵(۱): ۹۸-۱۱۹.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵). سیاست جنایی سازمان ملل متحد. تحقیقات حقوقی، ۱۸(۱): ۲۹۶-۳۰۵.

نقیبی فرد، حسام (۱۳۹۶). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ دوم

یوسفی مراغه ای، مهدی و کونانی، سلمان (۱۳۹۴). نقل و انتقال بین‌المللی محکومان، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.

Yearley S. (2017). Globalization and the Environment, in: The Blackwell Companion to Globalization, edited by: George Ritzer, Massachusetts: Blackwell Publishing,

Robertson R. (2012). Globalization, Social Theory and Global Culture.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی